



The Method for Quranic Words' Semantics and Criticizing the Contemporary Persian Translations of Quran (Case Study: The Root Word "Sharā")

Kavoos Roohi Barandaq*

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mohsen Faryadres

Ph.D. Student in Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ali Namdari Khalilabad

Master of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract




Quranic "Lexicology" as one of the most important subjects, has always been the focus of Quran researchers. Since there is no proper "method" to explain this subject, Modulation has often faced challenges, such as inaccuracy in Semantics, incompleteness of the concept, and so on. For the same reason, it is necessary to provide a coherent, complete, and logical method for this subject. Therefore, this study is to present a proper model. Firstly, it proposes a comprehensive and complete method, secondly, by using the analytical-descriptive method, it analyzes the meaning of the words derived from the root word "sharā", on which there are different ideas. After that, the contemporary Persian equivalences of the word "sharā" in the Quran, and the strict adherence of Quran translators to the verses including this word, are examined (scholars such as Āyati, Elāhi Ghomshei, Rezāei, Sha'rāni, Saffārzadeh, Safavi, Fooladvand, Fayz al-Islam, Meshkini, Mesbāhzadeh, Moezzi, and Makārem). The present study concludes that the core meaning of the word "sharā" is "to exchange", which according to the context of the verses, means "to give" or "to take", although the above-mentioned translators have been incapable of expressing this kind of meaning. Nevertheless, some of the translators such as Āyati, Elāhi Ghomshei, Sha'rāni, and Fayz al-Islam, have referred to this meaning in some verses, using similar terms.

Keywords: Lexicology, Semantics, Modulation, Root word "Sharā", Quran Translation.

* Corresponding Author: k.roohi@modares.ac.ir

How to Cite: Roohi Barandaq, K., Faryadres, M., Namdari Khalilabad, A. (2021). The Method for Quranic Words' Semantics and Criticizing the Contemporary Persian Translations of Quran (Case Study: The Root Word "Sharā"). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 11(25), 33-65. doi: 10.22054/RCTALL.2022.64936.1593

شیوه معنایابی واژگان قرآنی و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر (مطالعه موردی: واژه شری)

- کاوس روحی‌برندق *  ID * | دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- محسن فریادرس  ID | دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- علی نامداری خلیل‌آباد  ID | کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

«مفردات پژوهی» قرآنی به‌عنوان یکی از مسائل بسیار مهم، همواره مورد اهتمام قرآن‌پژوهان بوده است. از آنجا که «روشی» مناسب در تبیین این مسأله وجود ندارد، غالباً معادل‌پژوهی با چالش‌هایی از جمله عدم دقت در معنایابی، ناقص بودن مفهوم و... روبه‌رو بوده است؛ از این رو، ارائه روش منسجم، کامل و منطقی برای این امر ضروری است. مقاله حاضر با هدف ارائه این نوع از الگو، ابتدا روشی جامع و کامل را اظهار داشته، سپس با روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از همین روش به واکاوی معنای واژگان برگرفته از ماده «شری» به عنوان یکی از کلمات معركة‌الآراء پرداخته، آن‌گاه برگردان‌های فارسی معاصر قرآن (آیتی، الهی‌قمشه‌ای، رضایی، شعرانی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، فیض‌الإسلام، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم) را از جهت پابندی دقیق آن‌ها در آیات مشتمل بر این کاربرد، کاوش کرده است. برآیند پژوهش حاضر این شد که معنای اصلی این کلمه «مبادل» است که با توجه به سیاق آیه در معنای «دادن» یا «گرفتن» به کار رفته است؛ امری که در برگردان مترجمان نامبرده عمدتاً نارسا است. با این همه، «آیتی، الهی‌قمشه‌ای، شعرانی و فیض‌الإسلام» در پاره‌ای از آیات با عباراتی مشابه به این معنا اشاره داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: واژه‌پژوهی، معنایابی، معادل‌یابی، ریشه «شری»، ترجمه قرآن.

مقدمه

۱. بیان مسأله

معنای دسته‌ای از الفاظ قرآن به دلایل مختلف نیازمند درنگ و بررسی است که از دیر زمان مفسران، اهل لغت و اهل بلاغت در این زمینه به پژوهش پرداخته و در کتاب‌های تفسیری، لغوی، نحوی و بلاغی با واکاوی و تحلیل از معنای این الفاظ پرده‌برداری کرده‌اند؛ مجموعه کتاب‌هایی که با عنوان «غریب القرآن» به نگارش درآمده بهترین گواه بر تلاش‌های دانشمندان اسلامی در زمینه تک‌واژگان است. با وجود این تلاش‌ها، نبود یک الگو و روش منسجم، علمی و دقیق در مفردات پژوهی، غالباً ابهام‌واژه را به‌طور کامل برطرف نمی‌کند؛ شاهد این مدعا، بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی است که در انتقال معنا با وجود نقاط مثبت، نقاط ضعف فراوانی دارند (روحی‌برندقی، ۱۳۹۴).

در زمینه روش مفردات پژوهی دو روش «توصیفی (رابطه معنایی واژگان در یک حوزه معنایی و در یک مقطع خاص)» و «تاریخی (مطالعه تاریخی تغییرات واژگان در گذر زمان) وجود دارد (صفوی، ۱۳۸۷).

در روش توصیفی می‌توان از الگوهای مختلفی مانند باهم‌آیی^۱، نظم^۲ و... در روش تاریخی از الگوهای مختلفی مانند تجزیه به آحاد واژگان^۳، مربع معناشناختی^۴، ارزیابی کیفیت

۱. باهم‌آیی، کاربرد معمول دو یا چند واژه با یکدیگر است که به‌دلیل بسامد وقوع بالا، نمی‌توان آن را تصادفی دانست (پالمر، ۱۹۷۱). برای نمونه، ن. ک: امیری‌فر، محمد و همکاران (۱۳۹۵).

۲. برای نمونه، ن. ک: مقیاسی، حسن و فرجی، مطهره (۱۳۹۵).

۳. برای مثال آحاد معنایی سه واژه «بچه»، «پسر بچه» و «دختر بچه» عبارتند از: بچه = + [جاندار] + [انسان] - [بالغ]، پسر بچه = + [جاندار] + [انسان] - [بالغ] + [مذکر]. دختر بچه = + [جاندار] + [انسان] - [بالغ] + [مؤنث] و پسر بچه = + [جاندار] + [انسان] - [بالغ] + [مذکر]. دختر بچه = + [جاندار] + [انسان] - [بالغ] + [مؤنث]. (ر. ک: لطفی پورساعدی، ۱۳۸۷). برای نمونه، ن. ک: امانی (۱۳۹۳).

۴. مربع معناشناسی الگویی شکل گرفته از چهار رأس متقابل است که برای مشخص کردن چارچوب کلی معناشناختی متن کارآیی دارد؛ در حقیقت اصطلاحاتی نظیر تضاد، تقابل، تناقض و... که در متون کهن مسلمانان به تفصیل راجع به آن‌ها سخن گفته شده، اساس این نظریه را تشکیل می‌دهد و معناشناسی معاصر، این روابط را سامان بخشیده و در قالب یک نظریه کلی مطرح کرده است (اناری بزلوئی، ۱۳۹۴).

ترجمه^۱، روش ایزوتسو^۲ و... استفاده کرد.

یکی دیگر از روش‌های مفردات‌پژوهی قرآنی براساس سیر تاریخی، روش مقاله حاضر است که در آن با تکیه بر روش نظری رایج و سنتی در معناشناسی مفردات قرآن (که عموماً منسجم و کامل نبوده) درصدد است الگویی منسجم و دقیق در مباحث نظری و تحلیل لغوی و سیاقی آیات بر مبنای سیر تاریخی ارائه دهد. روش حاضر با منهج‌های یادشده هم‌پوشانی‌هایی دارد، اما رویکردها کاملاً متفاوت هستند. بررسی تفصیلی این مقوله و ذکر نقاط مشترک و تفاوت‌های این روش با روش‌های دیگر در این مقاله نمی‌گنجد؛ هر چند به اجمال می‌توان گفت که مثلاً در روش تجزیه به آحاد به واژگان، صرفاً با توجه به کتب لغت و تفاسیر به تحلیل معنای واژه پرداخته می‌شود و از توجه و گستردگی نسبت به برخی مراحل مقاله حاضر تهی است. در روش مربع‌شناسی نیز صرفاً به بافت متنی با استفاده از روابطی چون تضاد، تقابل، تناقض و... در روش نیومارک^۳ به بافت فرهنگی و در روش ایزوتسو به هم‌نشینی و جانشینی و به دست آوردن دال مرکزی تمرکز شده و از دیگر مراحل بیان شده در روش حاضر خالی هستند. با این همه، مطمئناً هر یک از این رویکردها دارای مزایایی هستند که آن‌ها را از جهات ذکر شده می‌توان با حذف کاستی‌ها، مکمل

۱. کاربرد رویکرد تحلیل سیاق در تحلیل ترجمه به نام جولیان هاوس (J. House) و تحت عنوان الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه در تاریخ مطالعات ترجمه ثبت شده است. این الگوی که نخستین بار در دهه ۷۰ میلادی ارائه شد و سپس دو بار در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۷ مورد بازبینی قرار گرفت، مبتنی بر پیش‌فرض «ترجمه به مثابه بافت آفرینی مجدد» و در اساس بر بنیان نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی (Halliday, J.) استوار شده است، اما از فرمالیسم روسی (Russian Formalism)، مکتب پراگ (Prague school) و نظریه کنش‌های گفتاری نیز بهره می‌برد (ن. ک: خان‌جان، ۱۳۹۰). نیومارک نیز برای نقل عناصر فرهنگی از زبان اصلی به زبان مقصد، ۱۵ روش پیشنهاد می‌کند که یکی از آن‌ها «معادل کارکردی» است؛ این روش برای واژگان فرهنگی به کار رفته و مستلزم به کار بردن یک واژه مستقل از فرهنگ است که گاهی با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود (ن. ک: روشنفکر، ۱۳۹۲).

۲. طرح عملیاتی ایزوتسو (Izutsu, T.) با متناسب‌سازی فضای قرآن در خلال آثار وی با مراحل زیر همراه است:
الف- فهم ابتدایی کلمه

ب) پیدا کردن کلمات کلیدی در متن و یا شناخت کلمه کانونی

ج- پیدا کردن شبکه تصویری یا مجموعه کلی با کمک چینی معنادر، انتقالی

ه- تفکیک معنای «پایه اساسی» از معنای «پایه نسبی»

و- یافتن ساحت‌های فرازبانی (ن. ک: مطیع، ۱۳۸۸).

روش بیان شده در این مقاله به شمار آورد.

در راستای عینی‌سازی روش بیان شده، واژگان برگرفته از ماده «ش-ر-ی» بررسی شده که ۲۵ مرتبه در ۸ سوره و ۲۳ آیه قرآن به کار رفته و نه تنها در نزد لغویان و مفسران معركة‌الآراء است، بلکه در ترجمه‌های فارسی معاصر نیز با معانی مختلفی بازتاب داده شده است.

بر این اساس، مقاله حاضر با ترسیم الگویی مناسب و دقیق، راهکار برون‌رفت از چالش پیش‌رو در معنایی واژگان را ابراز داشته، سپس با بهره‌گیری از این الگو و به عنوان نمونه، مشتقات ماده «ش-ری» در قرآن را مفهوم‌شناسی و معادل‌یابی کرده و در ادامه از میان ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن، ترجمه‌های مشهور و دارای روش‌های گوناگون ترجمه (آیتی، الهی‌قمشه‌ای، رضایی، شعرانی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، فیض‌الإسلام، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم) را به صورت تحلیلی- تطبیقی ارزیابی کرده و در نهایت ترجمه پیشنهادی را که انعکاس صحیحی از مشتقات این ریشه است، ارائه کرده است.

با توجه به آنچه گذشت، مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

۱- برای برون‌رفت از چالش مفهوم‌یابی و معادل‌گزینی مفردات قرآن چه الگویی پیشنهاد می‌شود؟

۲- معنای صحیح واژگان برگرفته از ماده «ش-ر-ی» چیست و ترجمه‌های فارسی معاصر در برگردان آن‌ها چه نارسایی‌هایی دارند؟

۲. ارائه الگو و راهکار در معناشناسی مفردات قرآن

همانطور که بیان شد، روشی که مقاله حاضر درصدد ترسیم آن است، ناظر به سیر تاریخی با لحاظ مراحل چهارگانه «الف» تا «د» که در ادامه آمده، است.

الف- فهم معنای ریشه: در این مرحله با استخراج گوهر معنایی واژه^۱، فهم معنای ریشه میسر خواهد شد. توجه به اصل معنایی از آن جهت حائز اهمیت است که ممکن است در مواقعی معنای لغوی واژه در کتب لغت یا موجود نباشد و یا دارای پراکندگی معنا باشد؛ در

۱. اصل معنایی آن معنای حقیقی و مفهوم اصیلی است که از اصل اشتقاق چندین کلمه گرفته شده و در تمامی صیغه‌های آن‌ها ساری است (مصطفوی، ۱۳۶۸).

این صورت با مراجعه به اصل معنایی مستخرج، این چالش مرتفع خواهد شد. برای این منظور، در میان کتب لغت اعم از فرهنگ‌های عام لغت عرب یا خاص (واژگان قرآنی)، بهترین کتبی که به صراحت به تبیین اصل معنایی واژه پرداخته‌اند به ترتیب «معجم مقاییس اللّغة» احمد بن فارس (فرهنگ عام عرب) و «التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم» حسن مصطفوی (فرهنگ خاص) است. در این بین با توجه به اشتراکات و تفاوت دیدگاه در این دو کتاب، اصل تحلیل باید لحاظ شود.

ب- فهم معنای واژه: معنای واژه با مراجعه به کتب لغت دسته اول (نظیر کتاب‌های «العین» فراهیدی، «لسان العرب» ابن منظور، «مجمع البحرین» طریحی، «مصباح المنیر» فیومی و...) و استخراج نظرات لغویان براساس سیر تاریخی فهمیده می‌شود؛ زیرا این مرحله با دو مزیت قابل فهم است: ۱- قابل مشاهده بودن تفاوت معنا و تحلیل نظر هر نگارنده درباره مفهوم واژه و ۲- مشخص شدن تحول و سیر معنایی هر واژه. ضرورت این مسأله نیز از آنجا ناشی می‌شود که از یک سو، چه بسا یک واژه دارای گوهر معنایی متعددی باشد و معنای واژه در یکی از این اصول گنجانده شود و از سوی دیگر، به خاطر تغییرات انجام شده در هیأت واژه مانند «لازم یا متعدی، داشتن بار معنایی خاص در هر باب و...» ممکن است دارای دو یا سه معنا و یا حتی بیشتر از سه معنا باشد. تحلیل و آکاوی جزئیات این مراحل، قطعاً منجر به کشف معنای واژه خواهد شد. یادآوری این نکته ضروری است که در ادامه این مرحله و برای رسیدن به معنای صحیح باید به دیگر جنبه‌هایی معنانشناسی یک واژه - که عموماً در پژوهش‌ها مورد غفلت واقع می‌شود - مانند «اشتراک لفظی، ترادف، اضداد، وجوه و نظائر، فروق اللغه و...» توجه کرد؛ زیرا بسیاری از محققین، برخی از واژگان را به صورت تخصصی و در حوزه‌های یاد شده مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

ج- معنای واژه در فرهنگ قرآنی: از آنجا که هر واژه در اصطلاح قرآنی دارای معنا و مصداقی است، توجه به «فرهنگ قرآنی» نیز ضروری است؛ زیرا در سیاق آیات قرآن، بعضی از واژه‌ها معنای غالبی پیدا کرده‌اند و این تصور را به وجود آورده که در کل بافت قرآنی نیز با این معنا به کار خواهد رفت. بنابراین، ضروری است بحث کافی درباره معانی مفردات قرآنی صورت پذیرد؛ از این رو، توجه به «معنای واژه در فرهنگ قرآنی» نیز لازم است. برای این منظور می‌توان با مراجعه به کتاب‌های خاص مفردات قرآنی مانند «مفردات ألفاظ القرآن» راغب اصفهانی و «التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم» حسن مصطفوی و

بحث‌های لغوی موجود در تفاسیر به استخراج معنای واژه در فرهنگ قرآنی رسید. شایان ذکر است راغب به صورت کلی -خواه مطابق معنای لغوی یا خواه هماهنگ با کاربرد آن- خواستار ارائه معنای واژه برای بافت قرآنی بوده، اما مصطفوی علاوه بر توجه به گوهر معنایی -به تبع راغب و البته با گسترده‌گی بیشتر نسبت به او- به معنانشناسی واژه در کاربردهای قرآنی آن اهتمام داشته است. با این همه، مراجعه به این دو اثر، پژوهنده را از منابع تفسیری بی نیاز نمی‌کند.

د- بررسی تحلیلی جهت ارائه متناسب‌ترین معنا برای واژه: در این مرحله علاوه بر تحلیل واکاوی مطالب سه مرحله گذشته، ضروری است با توجه به قرائن موجود در بافت متن از جمله همراهی با حروف اضافه، حروف جر، ساختار کلمه، وجود مفعول مستقیم یا فاعل انسانی و... متناسب‌ترین معنای واژه در بافت متنی را نیز به دست آورد؛ زیرا هرچند در مرحله سوم تقریباً معنای واژه به دست می‌آید، اما در پاره‌ای از اوقات، لغویان و حتی مفسران به موارد بیان شده در مرحله چهارم بی توجه هستند. این مسائل را می‌توان با دقت در بافت معنایی یا سیاق آیات، مراجعه به کتب لغت، نحو، بلاغت و... به دست آورد. در آخر اینکه چون الگوی ارائه شده برای مفردات پژوهی در قرآن است، از این رو، مقصود از بافت متنی، بافت متنی قرآن است.

نمونه این سبک و روش را تقریباً و به طور کامل به صورت عملی می‌توان در ادامه مقاله -که به واکاوی معنای واژه «شری» به عنوان یکی از واژگان چالش‌زا پرداخته است- مشاهده کرد:

۲-۱. مفهوم ریشه «شری»

ابن فارس در واکاوی معنای ریشه واژه «شری» سه اصل معنایی برای این واژه برمی‌شمارد: ۱- مبادله دو چیز، عموماً به معنای گرفتن یا خریدن و دادن یا فروختن، ۲- نوعی گیاه و ۳- بلندی و استواری (ابن فارس، ۱۴۰۴). این در حالی است که مصطفوی علاوه بر اینکه بسیار گسترده‌تر به این مسأله پرداخته -برخلاف ابن فارس- تنها گوهر معنایی «تحصیل شیء و اخذ فی جریان أمره: به دست آوردن و گرفتن چیزی در جریان امری» را بیان کرده و می‌گوید که ممکن است برخی آن را به معنای «فروختن» در نظر بگیرند، اما واقعیت این است که اطلاق آن در مقام «بیع» به همین معنا است. بنابراین، «اشتراء» به نوعی به «اختیار: برگزیدن»

اشاره دارد که باب افتعال نیز به آن اشاره دارد، چراکه «اشترأ» در این گونه موارد با معنای «أخذوا و حصلوا فی قبال شیء: گرفتن و به دست آوردن در قبال چیزی» به کار می‌رود؛ بر این اساس، وی در پایان نتیجه می‌گیرد در آیاتی که گزینش این معنا سخت است، با توضیح می‌توان تعارض را حل کرد؛ مانند آیه «اشترُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى»^۱ که می‌توان آن را به معنای «گرفتن و دریافت بهای اندک در قبال عهد و آیات قرآن» ذکر کرد (مصطفوی، ۱۳۶۸).

۲-۲. مفهوم لغوی واژه «شری» در فرهنگ‌های عمومی زبان عربی

فراهیدی هرچند دو معنای «تفرق فیه: جدایی‌افکندن» و «باع: فروختن» را در معنای واژه «شری» مطرح کرده، اما همین ماده را در باب مفاعله و استفعال به معنای «سرسختی و لجاجت کردن» می‌آورد (فراهیدی، ۱۴۰۴). با وجود این، برخی این واژه را از جمله واژگان اضدادی^۲ ذکر کرده‌اند که دارای دو معنای «فروختن» و «خریدن» است (طریحی، ۱۳۷۵؛ فیومی، ۱۴۱۴؛ انباری، ۱۴۰۷؛ حلبی اللغوی، ۱۹۶۳ م. و بطرس، ۱۴۲۴ م.). این در حالی است که ابن منظور تنها معنای «فروختن» (ابن منظور، ۱۴۱۴) و طریحی علاوه بر مفهوم «فروختن» برای ثلاثی مجرد این واژه، معنای «استبدال» را نیز برای ثلاثی مزید باب افتعال آن بیان می‌دارد (طریحی، ۱۳۷۵).

در راستای معنای بیان شده، کتب و جوه و نظائر به سه وجه «شراء: خریدن» «باع: فروختن» و «اختیار: برگزیدن» اشاره کرده‌اند (عود، ۱۴۰۹؛ ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۷؛ دامغانی، ۱۹۸۰ م. و ابن جوزی، ۱۴۰۷)، اما محمد نورالدین منجد معتقد است صاحبان کتب و جوه و نظائر در ذکر این معنای دچار اختلاط بین «شراء» و «اشترأ» شده‌اند؛ زیرا این دو کلمه را به مثابه لفظ واحد -شری- قرار داده و سه معنای «باع»، «شراء» و «اختیار» را برای آن دو بیان کرده‌اند؛ در حالی که اصل «بیع» و «اشترأ» در حقیقت «مبادلة الشيء بئمنه: مبادلة چیزی با ثمن» بوده -که ثمن در آن همراه با حرف «باء» است- و از این رو، فروشنده، «بها» و مشتری، «کالا» را می‌گیرد. بنابراین، وی می‌گوید هرچند اشتراء عموماً به اختیار اشاره دارد، اما این به آن معنا

۱. سورة بقره، آیه ۱۶

۲. اضداد واژگان، کلماتی هستند که در یک لفظ واحد، بر دو معنی متضاد دلالت کند. مانند لفظ «الجون» که بر دو معنای «سیاه و سفید» اطلاق می‌شود (انباری، ۱۴۰۷ ق.).

نیست که می‌توان «اختیار» را بجای «اشترای» - که در آن مبادلهٔ ثمن وجود دارد - به کار برد؛ زیرا در آیاتی که این واژه به کار رفته از دو عنصر «کالا» و «ثمن» استفاده شده است. توضیح آنکه اختیار در برگزیدن چیزی در عوض چیز دیگر بوده، بدون اینکه ثمنی در قبال آن پرداخت شود، در حالی که در آیاتی نظیر ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ﴾ ۱ کالا «ضلالت» و ثمن «هدایت» است؛ بنابراین، برای واژه «اشترای» در قرآن معنای «مبادله» صحیح است (منجد، ۱۴۱۴).

در هر حال، بررسی کتب لغت حاکی از این است که عمدهٔ معانی بیان شده برای معنای لغوی واژه «شری»، «خریدن»، «فروختن»، «مبادله کردن»، «برگزیدن» و «گرفتن و به دست آوردن» است.

۲-۳. مفهوم «شری» در فرهنگ‌های اختصاصی قرآنی

راغب اصفهانی با تأکید بر مفهوم «مبادله» در رد و بدل کردن متاعی در برابر متاع دیگر، تصریح می‌کند که لفظ «بیع: فروختن» و «شراء: خریدن» هر کدام به جای دیگری نیز به کار می‌روند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) با این تفاوت که کاربرد «شَرَّيْتُ» بیشتر در معنی «بعت» و «ابتعت» بیشتر بجای «اشترَيْتُ» است (همان: ۴۵۳). مفسران نیز ضمن اشاره به دو معنای «خریدن»^۲ و «فروختن»^۳، مفهوم «مبادله و برگزیدن»^۴ را نیز بیان کرده و عمدتاً دلیل خاصی برای آن نیاورده‌اند؛ با این حال، طبری با تأکید بر معنای «استبدال» برای «اشترای»، معنای «خریدن، فروختن، گرفتن و اختیار کردن» را برای تفسیر و توضیح بیشتر کلمه «استبدال» لحاظ می‌کند (طبری، ۱۴۱۲). برخی نیز با تأکید بر این معنا، آن را از سنخ مجازی یا استعاره برای اشتراء ذکر می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ و آلوسی، ۱۴۱۵).

۱. سورة بقره، آیه ۱۶

۲. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۷۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸: ۴۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۳۹۷؛ طوسی، بی تا، ج ۴: ۴۶؛ همان، ۶: ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۰۵؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۳: ۲۸۹.

۳. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۶۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۶۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۹۲؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۳۶-۵۳۵؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۲۶.

۴. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۰۸-۱۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۱۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۶۴؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۴۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۵۵.

طبرسی نیز به تبع آلوسی این واژه را از اضداد به‌شمار آورده و در غالب موارد معنای «استبدال» و «اختیار» را نیز بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲). فضل‌الله نیز مانند دیگر مفسران در اغلب موارد معنای «استبدال» را بدون ارائه دلیل برمی‌گزیند (فضل‌الله، ۱۴۱۹)، اما در برخی موارد نیز معنای «خریدن» و «فروختن» را بیان می‌کند (همان: ۱۲۶ و ۱۴۳).

علامه طباطبایی در آیات مختلف، ثلاثی مجرد واژه «شری» را به معنای «فروختن» (طباطبایی، ۱۴۱۷) و ثلاثی مزید آن را به معنای «خریدن» بیان کرده (همان: ۲۶۴۳) و اغلب سیاق آیات را دلیلی بر آن دانسته است (همان: ج ۲، ۱۰۰؛ ج ۹، ۳۹۵ و ج ۱۱، ۱۰۸). با وجود این، ایشان در برخی موارد به معنای «اختیار بهای اندک بر احکام خدا» و معنای «مبادله کردن» نیز تأکید دارد (همان: ج ۳، ۲۶۴ و ج ۴، ۴۱۸).

علامه جوادی آملی با طرح همان سه احتمال «خریدن»، «فروختن» و «مبادله» برای اشتراء، معنای دوم را به دلیل وضع اصلی واژه مبنی بر پرداخت بها و دریافت کالا ترجیح می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). با وجود این، وی بر آن است که اشتراء در آیه ﴿بَشْرًا اشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾^۱ به معنای «خریدن» است؛ زیرا طبق عقیده بنی‌اسرائیل و سایر کافران، آن‌ها باید هویت خود را باز یافته و جان خود را آزاد سازند؛ بنابراین، چنین پنداشتند که با انکار نبوت رسول اکرم (ص)، هویت خویش را باز می‌یابند؛ از این رو، از این کار نابخردانه به «اشتراء» تعبیر شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹). افزون بر این‌ها، صاحب تفسیر تسنیم، اشتراء در آیه ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ﴾^۲ را با توجه به عدم تملک «هدایت» و «ضلالت» برای کافران، معنای «اختیار و برگزیدن (گمراهی بر هدایت)» را از قول دیگران ابراز داشته (همان: ۳۰۹) و معنای «استبدال» (تبدیل ایمان به کفر) را در آیاتی نظیر ﴿فَبَيْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾^۳ نیز ذکر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰).

در هر حال، «شری» در نزد مفسران به معنای «فروختن» و «اشتراء» با وجودی که در اصل به معنای «خریدن» است، اما در بسیاری از موارد با مفهوم «استبدال» (تبدیل کردن)، گاهی به معنای «اختیار» (برگزیدن یا ترجیح دادن) و به ندرت در معنای «فروختن» ذکر شده است.

۱. سوره بقره، آیه ۹۰

۲. سوره بقره، آیه ۱۶

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۱۸۷

۲-۴. بررسی تحلیلی مفهوم واژگان برگرفته از «شری»

بر اساس آنچه بیان شده، تمامی معانی متصور برای واژگان برگرفته از ماده «ش-ر-ی» در کتب لغت و تفسیر عبارتند از: «خریدن»، «فروختن»، «برگزیدن»، «اختیار کردن»، «استبدال» و «گرفتن و به دست آوردن».

آنچه در تحلیل محتوایی واژه «شری» مورد نظر است، توجه به سه نکته است: ۱- اصل یا گوهر معنایی واژه، ۲- معنای لغوی واژه و ۳- کارکردهای واژه در قرآن. قبل از بررسی این سه مؤلفه مهم، لازم است ساختارهای صرفی این واژه را که در تبیین مفهوم لغوی آن بسیار راهگشا است، بیان کرد.

ساختارها صرفی واژگان برگرفته از ماده «ش-ر-ی» عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- اشتقاق از «ثلاثی مجرد» در حالت «شری» در آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۱ و در حالت «شری + ب» در آیه ﴿وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾^۲ (بقره/۱۰۲).

ب- ثلاثی مزید از باب «افتعال» به صورت «اشترأ» در آیه ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾^۳ و «اشترا + ب» در آیه ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى﴾^۴.

با قطعیت می‌توان گفت معنای لغوی واژه «شری»، «فروختن» و مفهوم لغوی «اشترأ»، «خریدن» است. آنچه این معانی را تأیید می‌کند، سازگاری با ظاهر آیه است. اما نکته مهم در این تقسیم‌بندی که لغت‌شناسان و غالب مفسران بدان بی‌توجه بوده‌اند، وجود حرف «باء» بوده که نقش بسیار مهمی در مفهوم‌شناسی این واژه دارد؛ توضیح آنکه این حرف که یکی از معانی آن تعویض، تبادل و مقابله است به معنای «مقابله بین دو چیز بوده که در آن چیزی داده و چیز دیگر گرفته می‌شود» است (ابن هشام، بی‌تا؛ عکبری، بی‌تا؛ استرآبادی، ۱۳۸۴ و سیوطی، بی‌تا). بنابراین، هنگام وضع به همراه فعل، بعضاً به معنای «جایگزین یا تعویض کردن» بوده و در آن دادوستد مطرح است؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «استبدال الكتاب بالجريدة» یعنی «کتاب را جایگزین روزنامه کرد»/ کتاب را با روزنامه

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷

۲. سوره بقره، آیه ۱۰۲

۳. سوره بقره، آیه ۱۰۲

۴. سوره بقره، آیه ۱۶

عوض کرد». در واقع می‌توان گفت این نکته دقیقاً همان معنای لغوی‌ای را که پیشتر اشاره شد، تأیید می‌کند؛ زیرا از یک سو بدون حرف «باء»، معنای لغوی ثلاثی مجرد آن «فروختن» و مفهوم ثلاثی مزید آن، «خریدن» است و از سوی دیگر، معنای همین دو ساختار به همراه باء تعویضیه، «جایگزین کردن» است؛ زیرا این بدان معنا است که شخص روزنامه را «داده» و کتاب را «گرفته» است. از این رو، می‌توان چنین گفت که معنای لغوی این واژه در ساختارهای مختلف آن عبارت است از:

- «شری» - ب = فروختن

- «شری» + ب = تعویض یا جایگزین کردن

- «اشتراء» - ب = خریدن

- «اشتراء» + ب = تعویض یا جایگزین کردن

و اصل معنایی واژگان برگرفته از «ش-ر-ی»، نیز «مبادله: رد و بدل کردن» است؛ زیرا همان‌طور که مشخص است در «خریدن»، «فروختن» و «تعویض و جایگزینی» نوعی رد و بدل وجود دارد؛ یعنی چیزی «داده» و چیزی «گرفته» می‌شود.

با این همه، نحویان در ورود این باء بر «اعواض» یا «مثن» دارای اختلاف هستند؛ زیرا بعضی دخول باء در آیاتی نظیر ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۱ را بر هر دو جایز دانسته است (بابی، بی تا). برخی دیگر نیز تنها دخول آن بر «اعواض (اثمان یا غیر آن)» در آیه ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۲ را از نوع حسی یا معنوی را جایز دانسته (صبان، بی تا و ابن هشام، بی تا) و برخی دیگر نیز بدون اشاره به دخول آن بر اعواض یا مثن، تنها به مثالی مانند «اشتریت بمائة جنیه» اکتفا کرده‌اند (عکبری، بی تا؛ استرآبادی، ۱۳۸۴ و سیوطی، بی تا). بر این اساس، در حقیقت باء معوضه هم بر «آنچه داده می‌شود (فروختن)» و هم بر «آنچه گرفته می‌شود (خریدن)» وارد می‌آید؛ زیرا در آیاتی نظیر آیه ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۳ باء مقابله بر آنچه داده شده (جان

۱. سوره بقره، آیه ۴۱

۲. سوره نحل، آیه ۳۲

۳. همان

و عمل)، وارد آمده و در آیه ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ و عبارات «کافات احسانه بضعف» و «اشتریت بمائة جنیه» بر آنچه گرفته می‌شود (ثمن، دو برابر و صد پوند) وارد آمده است.

بر این پایه برای مشخص شدن محل ورود باء مقابله بر اعواض (ثمن) یا مثنی در تمامی کارکردهای قرآنی این واژه باید توجه داشت که «مبادله» در پاره‌ای از آیات بدون باء و با معنای «خریدن» (گرفتن) لحاظ شده است؛ مثلاً در آیه ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾^۲. در برخی دیگر نیز با معنای «فروختن (دادن)» آمده است؛ مانند آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۳. با این همه، این مبادله در بیشتر موارد همراه با حرف معوضه باء و در همان معنای «خریدن» (گرفتن) مشاهده می‌شود؛ مانند آیه ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى﴾^۴. در برخی نیز معنای «فروختن» (دادن) ملاحظه می‌شود؛ مانند آیه ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۵.

مطالعه کارکردهای بیان شده نشان می‌دهد که: اولاً این باء گاهی بر «آنچه گرفته شده» (خریدن) در آیات ۹۰ و ۱۰۲ سوره بقره و آیه ۲۰ سوره یوسف و در بقیه موارد بر «آنچه داده شده» (فروختن) وارد می‌شود. ثانیاً باء معوضه در ثلاثی مجرد ماده «ش-ر-ی» از یک سو این باء همیشه پیوسته و بلافاصله بعد از فعل آمده و از سوی دیگر، نه تنها معنای لغوی، بلکه فضای آیه نیز اقتضای معنای «فروختن» (دادن) را دارد. اما درباره کارکردهای ثلاثی مزید این واژه، حرف «باء» گاهی بلافاصله بعد از فعل و گاهی با فاصله آمده است؛ آنجا که بدون فاصله بیان شده به معنای «فروختن» و آنجا که با فاصله آمده به معنای «خریدن» است؛ یعنی معنای لغوی مشتقات ماده «ش-ر-ی» در حقیقت به صورت زیر است؛

نه آن طور که پیشتر ارائه شد:

- «شری» = فروختن

- «شری» ب = فروختن

۱. سوره بقره، آیه ۴۱

۲. سوره بقره، آیه ۱۰۲

۳. سوره بقره، آیه ۲۰۷

۴. سوره بقره، آیه ۱۶

۵. سوره بقره، آیه ۴۱

- «اشترأ» = خریدن

- «اشترأ» ب = فروختن

- «اشترأ» ... ب = خریدن

با توجه به این دو نکته، «باء» معوضه و معنای آن [«جایگزین کردن» یا «تعویض کردن»] در تمامی کارکردهای قرآنی این ماده جاری و ساری نیست؛ از این رو، در کنار معنای لغوی در زیر با بررسی ترجمه‌های فارسی معاصر، واژگان برگرفته از ماده «ش-ی» را با استفاده از کارکردهای مختلف آن در مورد قرآنی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان معنایی مناسب و در راستای مفهوم لغوی و کارکرد آیه ارائه داد. آنچه با قاطعیت می‌توان اعلام کرد این است که اصل معنایی واژگان برگرفته از ماده «ش-ی»، «مبادله: رد و بدل کردن ثمن با مِثمن» و معنای هریک نیز با توجه به مخاطب جمله متفاوت است. به عبارت دیگر، با توجه به معنای لغوی، آنجا که مخاطب چیزی را به ظاهر «فروخته» به مفهوم «دادن» و جایی که چیزی «خریده» به مفهوم «گرفتن» است.

۳. ارزیابی برگردان‌های مشتقات واژه «شری» براساس معنای واژه در فرهنگ

قرآنی

بافت متنی آیاتی که از واژه «شری» در آن‌ها استفاده شده، گویای این است که هشت گونه کارکرد برای این واژه متصور است؛^۱ از این رو، برای اینکه مشخص شود معانی ذکر شده با مفهوم تمام آیه دارای چالش نیست، برگردان‌های فارسی معاصر قرآن در ادامه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ با این توضیح که در ارائه معنا برای هر یک از کاربردهایی که در ادامه ارائه خواهد شد، تحلیل بیان شده و به طور مشخص «فرهنگ قرآنی» مورد توجه است.

۱. هر چند این تقسیم‌بندی را می‌توان به صورت‌های مختلفی از جمله قرار دادن «کفر و ایمان، هدایت و ضلالت، دنیا و آخرت و...» را تحت یک حکم و «کتاب، عهد و سخن و...» را تحت حکمی دیگر نیز قرار داد.

۳-۱. ترجمهٔ شراء ظاهری

این استعمال در آیه ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ﴾^۱ و آیه ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ﴾^۲ به کار رفته است. براساس آنچه در تحلیل لغوی ماده «ش-ر-ی» گذشت، واژه «شرو» از «شری» در آیهٔ اول به معنای «فروختن» و «اشترا» از «اشترأ» در آیهٔ دوم به معنای «خریدن» است. کارکرد این دو آیه نیز همین معانی را تأیید می‌کند؛ زیرا در آن دو امر مادی [«حضرت یوسف» و «ثمن»] با یکدیگر «مبادله» شدند. همان‌طور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، تمام مترجمان معنای صحیحی از این واژه ابراز داشته‌اند.

جدول ۱. ترجمهٔ شراء ظاهری

سوره/آیه	یوسف/ ۲۰	یوسف/ ۲۱	مترجم
آیتی	فروختند	خریده بود	
الهی قمش‌های	فروختند	خریداری کرد	
رضایی	فروختند	خرید	
شعرانی	فروختند	خرید	
صفارزاده	فروختند	خریداری کرد	
صفوی	فروختند	خرید	
فولادوند	فروختند	خریده بود	
فیض الإسلام	فروختند	خرید	
مشکینی	فروختند	خریده بود	
معزی	فروختندش	خریدش	
مکارم	فروختند	خرید	

۱. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۲۰

۲. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۲۱

۳-۲. ترجمه شراء نفس

این ترکیب در آیه ﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾^۱، آیه ﴿وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾^۲، آیه ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۳ و آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ﴾^۴ به کار رفته است.

طبق معنای لغوی، مفهوم ماده «شری» در سه آیه ابتدایی، «فروختن» و در آیه ۱۱۱ توبه، معنای «خریدن» است؛ اما با این معادل، بافت متنی آیه با اشکال مواجه است؛ زیرا طبق معنای لغوی، «نفس» و «ثمن» از جمله امور مادی تلقی شده‌اند که قابل «خرید و فروش» هستند؛ در حالی که «نفس» قابل خرید و فروش نیست تا گفته شود نفس در عوض ثمن گرفته شده، خریده یا فروخته شد. بنابراین، این معادل‌ها مناسب معنای آیه نیست.^۵ از این رو، با توجه به تحلیل لغوی و بافت متنی آیات ۹۰، ۱۰۲ و ۲۰۷ سوره بقره، «نفس» فروخته شده با معادل «دادن» و در آیه ۱۱۱ سوره توبه، «نفس» خریده شده با معادل «پذیرفتن» مناسب است.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود مترجمان در ترجمه سه آیه سوره بقره، معانی «خریدن» (فولادوند، ۱۴۱۸)، «فروختن» (همه مترجمان)، «فروختن و از دست دادن» (فیض‌الاسلام)، «معامله کردن» (آیتی، ۱۳۷۴ و الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۸۰)، «فدا کردن» (آیتی، ۱۳۷۴) و «گذشتن» (الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۸۰) و در آیه ۱۱۱ سوره توبه، همه مترجمان معنای «خریدن» را برشمرده‌اند که در این بین تنها معنای صحیح در ترجمه آیتی و الهی‌قمشه‌ای آن

۱. سوره بقره، آیه ۹۰

۲. سوره بقره، آیه ۱۰۲

۳. سوره بقره، آیه ۲۰۷

۴. سوره توبه، آیه ۱۱۱

۵. ممکن است در اینجا گفته شود با توجه به آنکه فروختن یا خریدن نفس استعاره از واگذاری تمام و کمال نفس است، بلاغت ترجمه خریدن یا فروختن بیش از دادن و پذیرفتن و ... است؛ این در حالی است که استعاره بودن فروختن یا خریدن نفس استعاره از واگذاری تمام و کمال نفس درست است، اما این دلیل بر آن نمی‌شود که در ترجمه الزاماً به برگردان تحت‌اللفظی واژگان زبان مبدأ در زبان مقصد اقدام شود، بلکه باید به گونه‌ای متن ترجمه شود که معنای مفاد از واژگان در زبان مقصد را بهتر و روشن‌تر افاده کند. بنابراین، نه تنها لزومی بر رعایت کنایات و معانی مجازی اعم از استعاره و مجاز مرسل، در زبان مقصد نیست، بلکه گاه رعایت آن به برگردان معنای زبان مبدأ در زبان مقصد آسیب می‌زند.

هم در آیه ۲۰۷ بقره - که به صورت «فدا کردن» و «گذشتن» معنا شده است - قابل مشاهده است.

جدول ۲. ترجمهٔ شراء نفس

سوره/آیه	بقره/ ۹۰	بقره/ ۱۰۲	بقره/ ۲۰۷	برائت/ ۱۱۱
آیتی	معامله‌ای کردند	فروختند	فدا کند	خرید
الهی قمشه‌ای	معامله‌ای کردند	فروختند	درگذرند	خریداری کرده
رضایی	فروختند	فروختند	می‌فروشد	خریداری کرده
شعرانی	فروختند	فروختند	می‌فروشد	خرید
صفا رزاده	فروختند	می‌فروختند	می‌فروشد	خریداری فرمود
صفوی	فروختند	فروختند	می‌فروشد	خریده است
فولادوند	فروختند	خریدند	می‌فروشد	خریده است
فیض الإسلام	فروختند	فروختند و از دست دادند	می‌فروشد	خرید
مشکینی	فروختند	فروختند	می‌فروشد	خریداری کرده
معزی	فروختند	فروختند	بفروشد	خرید
مکارم	فروختند	فروختند	می‌فروشد	خریداری کرد

۳-۳. ترجمهٔ شراء دنیا و آخرت

این کارکرد در آیه ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾^۱ و آیه ﴿الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾^۲ قابل مشاهده است.

برخلاف معنای لغوی، ترجمهٔ صحیح و قابل فهم برای مخاطب در این آیه، «خریدن» نیست؛ زیرا همان‌طور که مشخص است این امور از مسائل غیر مادی‌ای است که قابل خرید و فروش نیست؛ از این رو، براساس بافت متنی و نظر به آیات مختلف، نظیر آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾^۳ و آیه ﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى

۱. سورهٔ بقره، آیه ۸۶

۲. سورهٔ نساء، آیه ۷۴

۳. سورهٔ نحل، آیه ۱۰۷

الأخِرَةَ^۱ (که در آن کافران، حیات دنیا را بر آخرت ترجیح داده و آن را برگزیدند/ بیشتر از زندگی آخرت دوست دارند)، معنای «ترجیح دادن» را در ترجمه آیه مورد نظر باید لحاظ داشت. همان‌طور که در جدول (۴) قابل مشاهده است، مترجمان معانی «خریدن» (آیتی، ۱۳۷۴؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰؛ شعرانی، ۱۳۷۴؛ صفارزاده، ۱۳۸۰؛ صفوی، ۱۳۸۸؛ فولادوند، ۱۴۱۸؛ مشکینی، ۱۳۸۱ و معزی، ۱۳۷۲)، «خریدند» (برگزیدند) (فیض الإسلام، ۱۳۷۸)، «فروختن» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰؛ صفارزاده، ۱۳۸۰؛ فیض الإسلام، ۱۳۷۸؛ مشکینی، ۱۳۸۱؛ معزی، ۱۳۷۲ و مکارم، ۱۳۷۳)، «دادن» (آیتی، ۱۳۷۴)، «مبادله کردن (رضایی، ۱۳۸۳ و صفوی، ۱۳۸۸) یا سودا کردن (فولادوند، ۱۴۱۸)» را در ترجمه خود بازتاب داده‌اند که در این بین تنها فیض الإسلام آن هم در آیه ۸۶ سوره بقره، ترجمه‌ای نسبتاً صحیح از واژه «شری» به صورت «خریدن» (برگزیدن) ارائه داده است که به نوعی با معنای ترجیح دادن هم‌پوشانی دارد.

جدول ۳. ترجمه شراء دنیا و آخرت

نساء / ۷۴	بقره / ۸۶	سوره / آیه	مترجم
دادند	خریدند	آیتی	
می‌فروشدند	خریده	الهی قمشه‌ای	
مبادله کرده‌اند	مبادله کردند	رضایی	
خریدند	خریدند	شعرانی	
بفروشدند	خریدار شده‌اند	صفارزاده	
مبادله می‌کنند	خریده‌اند	صفوی	
سودا می‌کنند	خریدند	فولادوند	
می‌فروشدند	خریدند (برگزیدند)	فیض الإسلام	
می‌فروشدند	خریدند	مشکینی	
می‌فروشدند	خریدند	معزی	
فروخته‌اند	فروخته‌اند	مکارم	

۱. سوره ابراهیم، آیه ۳

۳-۴. ترجمهٔ شراء ضلالت و هدایت

استعمال ترکیب «شراء، ضلالت و هدایت» در آیهٔ ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى﴾^۱، آیهٔ ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى﴾^۲ و آیهٔ ﴿يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ﴾^۳ صورت گرفته است. طبق مفهوم لغوی، معنای «اشترأ» در این آیات «خریدن» است، اما با توجه به اینکه ضلالت و هدایت از امور مادی نیستند که قابل خرید و فروش باشند به نظر می‌رسد معنای سه آیهٔ فوق -که از نوع گرفتن یا خریدن ضلالت است- «ترجیح دادن» است؛ یعنی زندگی دنیا را گرفتند و ترجیح دادند و آخرت را دادند و ترجیح ندادند. برخلاف واقع، مترجمان در ترجمهٔ این واژه (در جدول (۳))، معنای «خریدن» (همهٔ مترجمان)، «فروختن» (مکارم، ۱۳۷۳)، «مبادله کردن» (رضایی، ۱۳۸۳ و مکارم، ۱۳۷۳) و «برگزیدن» (آیتی، ۱۳۷۴) یا «اختیار کردن» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰) را در نظر گرفته‌اند که در این بین صحیح‌ترین معنا از سوی آیتی و الهی قمشه‌ای در آیهٔ ۱۷۵ سورهٔ بقره به صورت «برگزیدن یا اختیار کردن» ارائه شده است.

جدول ۴. ترجمهٔ شراء ضلالت و هدایت

سوره/آیه	بقره/۱۶	بقره/۱۷۵	نساء/۴۴
آیتی	خریدند	برگزیدند	می‌خرند
الهی قمشه‌ای	خریدند	اختیار کردند	خریدار
رضایی	مبادله کردند	مبادله کردند	می‌خرند
شعرانی	خریدند	خریدند	می‌خرند
صفارزاده	خریده‌اند	خریده‌اند	می‌خرند
صفوی	خریده‌اند	خریده‌اند	خریدار
فولادوند	خریدند	خریدند	می‌خرند
فیض الإسلام	خریدند	خریدند	می‌خرند
مشکینی	خریدند	خریده‌اند	می‌خرند
معزی	خریدند	خریدند	می‌خرند
مکارم	فروخته‌اند	مبادله کرده‌اند	می‌خرند

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۶

۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۷۵

۳. سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۴

۳-۵. ترجمه‌ی شراء کفر و ایمان

این نوع کاربرد در آیه **﴿إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ﴾**^۱ بیان شده است. از آنجا که کفر و ایمان قابل خرید و فروش نیست، از این رو، ترجمه‌ی آیه به معنای لغوی درست نخواهد بود، بلکه با توجه به آیه **﴿وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾**^۲ ترجمه‌ی «ترجیح دادن» پیشنهاد می‌شود. اما مترجمان معادل‌های «مبادله کردن» (رضایی، ۱۳۸۳) و «خریدن» (دیگر مترجمان) را برای آن برشمرده‌اند. همان‌طور که در جدول (۵) مشخص است، هیچ‌یک از مترجمان به معنای صحیح و یا حداقل نزدیک به معنای صحیح را ارائه نداده است.

جدول ۵. ترجمه‌ی شراء کفر و ایمان

آل عمران / ۱۷۷	سوره / آیه	مترجم
خریدند	آیتی	
خریدار	الهی قمشه‌ای	
مبادله کردند	رضایی	
خریدند	شعرانی	
خریداری کردند	صفارزاده	
خریده‌اند	صفوی	
خریدند	فولادوند	
خریدند	فیض الإسلام	
خریدند	مشکینی	
خریدند	معزّی	
خریداری کردند	مکارم	

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۷

۲. سوره بقره، آیه ۱۰۸

۳-۶. ترجمهٔ شراء آیات و کتاب خدا

این شیوه کارکرد در آیه ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۱، آیه ﴿لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۲، آیه ﴿وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۳، آیه ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۴، آیه ﴿وَاشْتَرُوا ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾^۵، آیه ﴿لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۶ و آیه ﴿اشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۷ آمده است. طبق معنای لغوی، این کاربرد با معادل «نفروشید» مناسب است، اما مانند دیگر کاربردهای بیان شده باید معنای «ترجیح دادن» را در ترجمه لحاظ کرد؛ یعنی مرا با بهای اندک «ندهید و ترجیح ندهید». هر چند مترجمان معادل‌های «خریدن» (معزی، ۱۳۷۲ و مکارم، ۱۳۷۳)، «ستاندن» (آیتی، ۱۳۷۴ و معزی، ۱۳۷۲)، «بردن» (آیتی، ۱۳۷۴)، «گرفتن» (آیتی، ۱۳۷۴ و شعرانی، ۱۳۷۴) و «به‌دست آوردن» (مشکینی، ۱۳۸۱) «فروختن (دادن)» (بجز شعرانی و مشکینی، بقیه مترجمان)، «مبادله-کردن» (رضایی، ۱۳۸۳ و صفوی، ۱۳۸۸)، «بدل گرفتن» (شعرانی، ۱۳۷۴)، «عوض گرفتن» (همان: ۷۲، ۷۳ و ۱۷۵) و «معامله کردن» (آیتی، ۱۳۷۴؛ الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۸۰؛ رضایی، ۱۳۸۳؛ صفارزاده، ۱۳۸۰؛ صفوی، ۱۳۸۸ و فولادوند، ۱۴۱۸) را برای آن برشمرده‌اند. با دقت در ترجمه‌ها در جدول (۶)، بهترین و نزدیک‌ترین ترجمه مورد پذیرش، معنای «دادن» از سوی فیض‌الإسلام، «بدل گرفتن» و «عوض گرفتن» توسط شعرانی است.

۱. سوره بقره، آیه ۴۱

۲. سوره بقره، آیه ۷۹

۳. سوره بقره، آیه ۱۷۴

۴. سوره مائده، آیه ۴۴

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۸۷

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۹۹

۷. سوره توبه، آیه ۹

جدول ۶. ترجمه‌ی شراء آیات و کتاب خدا

سوره/آیه مترجم	بقره/ ۴۱	بقره/ ۷۹	بقره/ ۱۷۴	آل عمران/ ۱۸۷	آل عمران/ ۱۹۹	مائده/ ۴۴	توبه/ ۹
آیتی	مفروشید	برند	بستانند	گرفتند	معامله‌ای کردند	مفروشید	فروختند
الهی قمشه‌ای	نفروشید	بفروشند	فروشند	فروختند	معامله‌ای کردند	معامله نکنید	فروختند
رضایی	مبادله نکنید	مبادله کنند	می‌فروشند	فروختند	می‌خرند	نمی‌فروشند	فروختند
شعرانی	مخزید	بگیرند	میگیرند	گرفتند	عوض میگیرند	عوض بدلی مگیرید	عوض گرفتند
صفازاده	نفروشید	به دست آورند	می‌فروشند	بدست آوردند	معامله‌ای کردند	نفروشید	فروختند
صفوی	نفروشید	به دست آورند	می‌فروشند	مبادله کردند	خریداری می‌کنند	مفروشید	فروخته‌اند
فولادوند	نفروشید	به دست آرند	به دست می‌آورند	به دست آوردند	معامله‌ای کردند	مفروشید	فروختند
فیض‌الاسلام	مفروشید	بفروشند	میخرند	گرفتند	مستانند	نفروشید	فروختند
مشکینی	به دست نیاورید	به دست آورند	به دست می‌آورند	به دست آوردند	به دست می‌آورند	به دست نیاورید	به دست آوردند
معزی	نفروشید	بخرند	بفروشندش	فروختندش	ستانند	نفروشید	فروختند
مکارم	نفروشید	بفروشند	می‌فروشند	فروختند	می‌خرند	نفروشید	فروختند

۳-۷. ترجمه‌ی شراء عهد و میثاق الهی

این ترکیب تنها در آیه ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۱ و آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأِيمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۲ به کار رفته است. برای ارائه‌ی ترجمه‌ی دقیق و قابل فهم‌تر برای مخاطب، می‌توان به آیه ﴿قُلْ أَتَخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَىٰ

۱. سوره نحل، آیه ۹۵

۲. سوره آل عمران، آیه ۷۷

اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱﴾ استناد کرد که اشاره به گرفتن عهد از نزد خدا شده است. بنابراین، منظور از آیات فوق که می‌گوید «عهد خدا را به بهای اندک نفروشید» این است که «عهد خدا را بگیریید و با بهای اندک که دنیا باشد، ندهید و معاوضه نکنید». بدین منوال بهترین و صحیح‌ترین معنا برای لفظ «شری» در آیات فوق، «ترجیح دادن» است، اما مترجمان معادل‌های «ستاندن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸ و مشکینی، ۱۳۸۱)، «گرفتن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸)، «به‌دست آوردن» (مشکینی، ۱۳۸۱)، «فروختن» (بجز شعرانی، فیض‌الاسلام و مشکینی بقیه مترجمان)، «مبادله کردن» (مکارم، ۱۳۷۳)، «عوض گرفتن» (شعرانی، ۱۳۷۴) و «معامله کردن» (الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۷۴) را در نظر گرفته‌اند که ترجمه شعرانی به «عوض گرفتن» صحیح‌ترین است.

جدول ۷. ترجمه شراء عهد و میثاق الهی

مترجم	سوره/آیه	آل عمران/ ۷۷	نحل/ ۹۵
آیتی	می‌فروشند	مفروشید	
الهی قمشه‌ای	بفروشند	معامله نکنید	
رضایی	می‌فروشند	نفروشید	
شعرانی	عوض میگیرند	عوض مگیریید	
صفارزاده	می‌فروشند	نفروشید	
صفوی	می‌فروشند	مفروشید	
فولادوند	می‌فروشند	مفروشید	
فیض‌الاسلام	میگیرند	مستانید	
مشکینی	به دست می‌آورند	نستانید	
معزی	بفروشند	نفروشید	
مکارم	می‌فروشند	مبادله نکنید	

۳-۸. ترجمه شراء سخن حق و باطل

این ترکیب در آیه ﴿فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنَّ آرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ تَمَنَّا﴾^۱ و آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾^۲ ذکر شده است. در ارائه و بیان ترجمه دقیق و قابل وضوح برای خواننده از آیات فوق باید در ترجمه ماده «شری» علاوه بر در نظر گرفتن معنای لغوی به اصل معنایی و کاربرد قرآنی آن نیز نظر داشت؛ زیرا حق و باطل چیز مادی نیست که قابل خرید و فروش باشد. از این رو، هر دو آیه باید به معنای «ترجیح دادن» ترجمه شود. این در حالی است که مترجمان معنای «گرفتن» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۱ و شعرانی، ۱۳۷۴)، «به دست آوردن» (مشکینی، ۱۳۸۱)، «خواستن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸) «فروختن» (رضایی، ۱۳۸۳؛ صفارزاده، ۱۳۸۰؛ صفوی، ۱۳۸۸؛ فولادوند، ۱۴۱۸؛ معزی، ۱۳۷۲ و مکارم، ۱۳۷۳) و «دگرگون کردن» (آیتی، ۱۳۷۴) را در آیه ۱۰۶ سوره مائده و معنای «تهیه کردن» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۱) و «خریدن» (بقیه مترجمان) را در آیه ۶ سوره لقمان ذکر کرده‌اند که هیچ‌یک از مترجمان، معنای صحیحی را از آن افاده نکرده‌اند.

جدول ۸. ترجمه شراء سخن حق و باطل

مترجم	سوره/آیه	
	لقمان/۶	مائده/۱۰۶
آیتی	خریدار	دگرگون نکنیم
الهی قمشه‌ای	تهیه می‌کند	بهایی نمی‌خواهیم
رضایی	می‌خرد	نمی‌فروشیم
شعرانی	می‌خرد	نگرفته‌ایم
صفارزاده	می‌خرند	نمی‌فروشیم
صفوی	می‌خرد	نمی‌فروشیم
فولادوند	خریدارند	نمی‌فروشیم
فیض‌الاسلام	خریداری می‌کند	نخواست
مشکینی	می‌خرند	به دست نمی‌آوریم
معزی	می‌خرد	نمیشیم
مکارم	می‌خرند	بفروشیم

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۶

۲. سوره لقمان، آیه ۶

۳-۹. ترجمه شراء سحر

مرجع ضمیر «ه» به همراه مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال در ماده «شری» در آیه ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾^۱ به واژه سحر برمی گردد. با توجه به معنای لغوی، مفهوم واژه در آیه عبارت از «خریدن» سحر است. این در حالی است که با توجه به اینکه این مبادله از نوع خرید و فروش مادی نیست، این معنا به واقع نزدیک نیست؛ بنابراین، با توجه به بافت متنی، معنای «ترجیح دادن» را باید در ترجمه آیه لحاظ داشت. اما در ترجمه‌های فارسی معاصر معادل‌های «تهیه کردن» (الهی قمش‌های، ۱۳۸۱) «فراگرفتن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۸) و معنای «خریدن» (بقیه مترجمان) به کار رفته است که گویی هیچ‌یک از مترجمان، ترجمه دقیقی از این واژه در این آیات ارائه نداده‌اند.

جدول ۹. ترجمه شراء سحر

بقره/ ۱۰۲	سوره/ آیه	مترجم
خریداران	آیتی	
تهیه می‌کند	الهی قمش‌های	
خریدار	رضایی	
خرید	شعرانی	
خریدار	صفارزاده	
خریدار	صفوی	
خریدار	فولادوند	
هر که جادو را فراگیرد	فیض‌الاسلام	
خریدار	مشکینی	
بخرد	معزی	
خریدار	مکارم	

۱. سوره بقره، آیه ۱۰۲

بحث و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب گفته باید دقت داشت که سیر رسیدن به معنای واژه «شری»، ناظر به ادب عرب و فرهنگ قرآن بود که با طی این مسیر، معنای واقعی واژه مستفاد شد. پس از آن و برای انتقال ترجمه واژه، ابتدا معادل فصیح «ترجیح دادن» لحاظ و سپس ترجمه‌های فارسی در تمامی آیاتی که ریشه «شری» در آن‌ها به کار رفته است، ارزیابی شدند.

حاصل پژوهش حاضر برای مفهوم‌شناسی واژگان برگرفته از ماده «شری» با تکیه بر الگوی ارائه شده در مفردات پژوهی تاریخی قرآن و با توجه به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق این است که:

۱- روش ارائه شده بدین صورت است که ابتدا باید اصل معنایی واژه استخراج و سپس با پی‌جویی معنای واژه در نظر لغویان، معنای مشتقات برگرفته از آن فهم شود. در مرحله اخیر، تأکید بر فرهنگ عرب، اشتراک لفظی، وجوه و نظائر، فروق اللغه و اضداد واژگان و مباحث لغوی تفاسیر است. در ادامه با رجوع به کتب خاص مفردات قرآنی و مباحث لغوی تفاسیر، معنای واژه در بافت آیه مورد نظر و آیات مربوطه فهم می‌شود. در مرحله بعدی با تحلیل کلی مطالب و توجه به بافت و سیاق قرآنی، معنای واقعی ارائه می‌شود. در مرحله پایانی نیز سعی می‌شود معادل فصیح واژه پیدا و سپس با آن خروجی، ترجمه‌های فارسی معاصر ارزیابی شوند.

۲- اصل معنایی ماده «ش-ر-ی»، «مبادله کردن»، معنای لغوی آن با توجه به ساختار واژه، «خریدن» و «فروختن» و معادل‌های آن در کاربردهای قرآنی «خریدن»، «فروختن»، «دادن»، «پذیرش» و «ترجیح دادن» است.

۳- مترجمان عموماً در ترجمه واژه «شری» معانی «خریدن»، «فروختن»، «مبادله کردن» و... آورده‌اند. این معادل حاکی از این است که مترجمان غالباً به معنای لغوی واژه توجه داشته‌اند و به کاربردهای آن بی‌توجه بوده‌اند؛ زیرا با توجه به کاربردهای این واژه، بهترین سبک ترجمه مبتنی بر تفسیر آیات است. از این رو، می‌توان گفت مترجمان نامبرده عمدتاً در افاده معنای آن کم‌دقتی کرده‌اند؛ هر چند در این بین برخی نیز همچون «آیتی، الهی‌قمشه‌ای، شعرانی و فیض‌الإسلام» آن هم در پاره‌ای از آیات از این سبک پیروی کرده‌اند. همچنین یادآوری این نکته ضروری است که مترجمان عنصر یکسان‌سازی را در ترجمه مشتقات ماده «ش-ر-ی» به صحیح رعایت نکرده‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Kavoos Roohi Barandaq  <http://orcid.org/0000-0003-3474-0421>
Mohsen Faryadres  <http://orcid.org/0000-0002-6707-7171>
Ali Namdari Khalilabad  <http://orcid.org/0000-0002-7176-963X>

منابع

- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. به تحقیق عبدالباری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات سروش.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۰۷). *نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر*. به تحقیق محمد عبدالکریم کاظم الراضی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن سلیمان بلخی، مقاتل. (۲۰۰۶). *الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم*. به تحقیق حاتم صالح الضامن. دبی: مرکز جمعة الماجد للثقافة و التراث.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. به تحقیق محمد عبدالسلام هارون. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. به تحقیق جمال الدین میردامادی. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبد الله بن یوسف. (بی تا)، *معنی اللیب*. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- استرآبادی، رضی الدین بن حسن. (۱۳۸۴). *شرح الرضی علی الکافیة*. تهران: موسسه الصادق للطباعة و النشر.
- اناری بزچلوئی، ابراهیم و شیخ حسینی، زهرا. (۱۳۹۴). *متناسب سازی نظریه های «گفته پردازی و باورپروی» و «مربع معناشناسی» در مطالعات قرآنی (جزء ۲۹ و ۳۰)*. پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۴(۲)، ۱۲۱-۱۳۶.
- انباری، محمد بن قاسم. (۱۴۰۷). *کتاب الاضداد*. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: مکتبة العصریه.

- بابتی، عزیزه فوال. (بی تا). *المعجم المفصل فی النحو العربی*. بیروت: دار الکتب العلمیة. بَطرس، أنطونیوس. (۱۴۲۴). *المعجم المفصل فی الأضداد*. بیروت: دار الکتب العلمیة. پالمر، فرانک. (۱۹۷۱). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر مرکز. الهی‌قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن*. قم: فاطمة الزهراء. جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تسنیم*. قم: انتشارات اسراء. _____ (۱۳۸۸). *درسنامه ترجمه (اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن کریم)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴). *تاج العروس*. بیروت: دارالفکر. حلبی اللغوی، أبوطیب عبدالواحد بن علی. (۱۹۶۳). *الأضداد فی کلام العرب*. به تحقیق عزة حسن. بی جا: مجمع دمشق.
- خان‌جان، علی‌رضا. (۱۳۹۰). *پیشنهاد الگویی برای تحلیل انتقادی ترجمه. مطالعات زبان و ترجمه*، (۲)، ۹۳-۱۲۷.
- دامغانی، حسین بن محمد. (۱۹۸۰). *قاموس القرآن أو اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن*. به تحقیق عبدالعزیز سید الأهل. بیروت: دارالعلم للملایین.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن*. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. به تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالقلم.
- روحی‌برندق، کاووس، حاجی‌خانی، علی و فریادرس، محسن. (۱۳۹۴). *ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم؛ مشتمل بر ماده حشر*. پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی، (۱۲)، ۱۱۹-۱۴۴.
- روشنفکر، کبری، نظری منظم، هادی و حیدری، احمد. (۱۳۹۲). *چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان «الّصّ والکلاب» نجیب محفوظ؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک*، پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی، (۸)، ۳-۱۳.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. به تصحیح مصطفی حسین احمد. بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. (بی تا). *همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- شعراني، ابو الحسن. (١٣٧٤). ترجمه قرآن. تهران: اسلامية.
- صفارزاده، طاهره. (١٣٨٠)، ترجمه قرآن. تهران: جهان را يانئه كوثر.
- صبان، محمد بن علي. (بي تا)، حاشية الصبان على شرح الأشموني على ألفية ابن مالك و معه شرح الشواهد للعيني. بيروت: المكتبة العصرية.
- صفوي، محمدرضا. (١٣٨٨). ترجمه قرآن. قم: آبنوس.
- صفوي، كوروش. (١٣٨٧)، درآمدى بر معنى شناسى. تهران: سورة مهر.
- طباطبايى، محمد حسين. (١٤١٧). الميزان فى تفسير القرآن. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طبرسى، فضل بن حسن. (١٣٧٢). مجمع البيان فى تفسير القرآن. مصحح: فضل الله يزدى طباطبايى و هاشم رسولى. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرى، ابو جعفر. (١٤١٢). جامع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: دارالمعرفة.
- طريحي، فخر الدين. (١٣٧٥). مجمع البحرين. به تحقيق احمد حسيني اشكورى. تهران: مرتضوى.
- طوسى، محمد. (بي تا). التبيان فى تفسير القرآن. به تحقيق احمد قصير عاملى. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- عكبرى، عبدالله بن حسين. (بي تا). اللباب فى علل البناء و الإعراب. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- عود، هارون بن موسى. (١٤٠٩). الوجوه والنظائر فى القرآن الكريم. به تحقيق حاتم صالح ضامن. بغداد: دايرة الآثار والتراث.
- فخر رازى، ابو عبدالله. (١٤٢٠). مفاتيح الغيب. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- فرايديدى، خليل بن احمد. (١٤٠٩). كتاب العين. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسين. (١٤١٩). تفسير من وحي القرآن. بيروت: دار الطباعة والنشر.
- فولادوند، محمدمهدى. (١٤١٨). ترجمه قرآن. به تحقيق هيئت علمى دار القرآن الكريم. تهران: دارالقرآن الكريم.
- فيض الاسلام، على نقى. (١٣٧٨). ترجمه و تفسير قرآن عظيم. تهران: فقيه.
- قيومى، احمد بن محمد. (١٤١٤). المصباح المنير. قم: دارالهجرة.
- لطفى پورساعدى، كاظم. (١٣٨٧). درآمدى بر اصول و روش ترجمه. تهران: مركز نشر دانشگاهى.
- مشكينى، على. (١٣٨١). ترجمه قرآن. قم: الهادى.
- مصطفوى، حسن. (١٣٦٨). التحقيق فى كلمات القرآن الكريم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.

مطبع، مهدی، پاکتچی، احمد و نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۸). درآمدی بر استفاده از روش‌های «معناشناسی» در مطالعات قرآنی. پژوهش دینی، (۱۸)، ۱۰۵-۱۳۲.

معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۸). *التفسیر و المفسرون*. مشهد: الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه.

معزّی، محمد کاظم (۱۳۷۲). *ترجمه قرآن*. قم: اسوه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن*. قم: دار القرآن الکریم.

منجد، نورالدین محمد نورالدین. (۱۴۱۴). *الإشترک اللفظی فی القرآن الکریم*. بیروت: دارالفکر المعاصر.

References

- Ālūsī, S. M. (1994). *Rūh al-Ma‘āni Fī Tafsīr al-Qur‘an al-‘Azīm wa al-Sab‘a al-Mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah. [In Arabic]
- Aite, A. m. (1995). *Translation of Qur‘an*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Ibn-Jawzi, A. bin A. (1986). *Nuzhat al-Ayin al-Nawazir in the science of faces and isotopes*. Investigated by Muhammad Abd al-Karim Kazem al-Radi. Beirut: Al-Resala Foundation. [In Arabic]
- Ibn Sulaymān al-Balkhī, M. (2006). *Al-Wujūh wa-al-naẓāir fī al-Qur‘ān al-‘azīm*. Taḥqīq al-Ustādh al-Duktūr Ḥātim Ṣāliḥ al-Dāmin, Dubai: Al-Mamlakah al-‘Arabīyah al-Sa‘ūdīyah. [In Arabic]
- Ibn Fāris, A. (1983). *Maqāyīs al-Lughā*, Qom: Maktabat 'A'lām al-Islāmī. [In Arabic]
- Ibn Manzūr, M. ibn M. (1993). *Lisān al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr - Dar al-Sādir. [In Arabic]
- Ibn Hishām, A. ibn Y. (nd). *Mughnī al-Labīb*. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī. [In Arabic]
- Astarābādhī, R. ibn A. (2005). *Sharḥ al-Raḍī ‘alā al-Kāfiyah*. Banghāzī: Jāmi‘at Qāryūnis. [In Arabic]
- Anari Bazgaloui, I. and Sheikh Hosseini, Z. (2015). Motasbeeb Sazi theoretical “Gefta-Pardazi and PowerParvi” and “The Ma’anashnasi Square” ed. Qur’anic Readings (Parts 29 and 30)”. *Linguistic Research in the Holy Quran*, 4(2). 121-136. [In Persian]
- Anbari, M. bin Q. (1986). *Ketab al-azdad*. Investigated by Muhammad Abul-Fadl Ibrahim. Beirut: Al-Asriya Library. [In Arabic]
- Bābatī, A.F. (nd). *Al-Mu‘jam al-mufaṣṣal fī al-naḥw al-‘Arabī*. Bayrūt: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah. [In Arabic]

- Botros, A. (1999). *Al-mojam al-mofasal fi al-azdad*. Beirut: Dār al-Kutub al'Ilmiyah. [In Arabic]
- Palmer, F. (2018). *Najahi Taza with the meaning of Shinasi*. Translated by Cyrus Safavi. Tehran: Focused. [In Persian]
- Lahi Qamashhai, M. (2002). *Translation of Qur'an*. Qom: The publications of Fatima al-Zahra. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (1999). *Tafsir Tasnim*. Qom: Esra'. [In Persian]
- Hoseini al-Zabīdīm M. M. (1993). *Lil-Murtaḍá, Tāj al-'arūs*. Bayrūt: dar-alfekr. [In Arabic]
- Halabi Al-Lughawi, A. bin A. (1963). *Al-azdad fi kalam al-Arab*. Achieved by Azza Hassan. NP: Damascus Complex. [In Arabic]
- Khan Jan, A. (2011). Proposal of a Model for Critical Translation Analysis. *Language and Translation Studies*, (2), 93-127. [In Persian]
- Dāmaghānī, Ḥ. ibn M. (1980). *Al-Qāmūs al-Qur'ānī: al-Wujūh wa-al-naẓā'ir fi al-Qur'ān al-karīm*. Dimashq: Sūriyā. [In Arabic]
- Rezayi Esfahani, M. A. (2004). *Translation of Qur'an*. Qom: Moassesa Dar alZekr. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, H. bin M. (1991). *Mofradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Qalam. [In Arabic]
- Roohi Barandagh, K., Hajikhani, A. and Faryadres, M. (2015). Evaluation of Contemporary Persian Translations of the Holy Quran (The Case of the word "Hashr"). *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*, 5 (12). 119-144. [In Persian]
- Roshanfekar, K., Nazari Monazam, H. and Heydari, A. (2013). The Challenges of Translating Cultural Elements in the Novel "El-Lis'sWal-Kilab" Naguib Mahfouz: Comparison of Two Translations, with Emphasis on Newmark Theoretical Framework. *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*, 11(8). 13-34. [In Persian]
- Zamakhshari, MbU. (1986). *Al-Kashaf An Ghawamez el-Tanzil*. Beirut: Dar alketab el-Arabiyy. [In Arabic]
- Suyūṭīm, A. R. bin A. B. (nd). *Ham' al-hawāmi' fi sharḥ Jām' al-jawāmi'*. Miṣr: Maṭba'at al-Sa'ādah. [In Arabic]
- Shaarani, A. H. (1995). *Translation of the Qur'an*. Tehran: Islamic publications. [In Persian]
- Saffarzadeh, T. (2001). *Translation of the Qur'an*. Tehran: Farhangi Jahan Foundation, Rayana Kawthar. [In Persian]
- Ṣabbān, M. ibn A. (nd). *Ḥāshiyat al-Ṣabbān 'alá al-Sharḥ al-Ṣaghūr lil-Mullawī 'alá al-Sullam al-murawnaq*. Bayrūt: Almaktabat Aleasria. [In Arabic]

- Safsvi, M. R. (2009). *Translation of Qur'an Based on Al- Mizan*. Qom: Maaref Publishing Office. [In Persian]
- Safavi, K. (2008). *Daramadi Bar Ma'ani Shinasi*. Tehran: Surat Mehr. [In Persian]
- Tabatabayi, S. M. H. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir el-Qur'an*. Beirut: Muassesat ol-Alami lil-Matbuat. [In Arabic]
- Tabrasi, F. bin H. (1993). *Majma' al- Bayān Fi Tafsīr el-Qur'an*. Theran: Naserkhosro. [In Arabic]
- Tabari, M. bin J. (1992). *Jami al- Bayan fi Tafsir el- Qur'an*. Beirut: Dar alKetab al-Alamiya. [In Arabic]
- Turaihi, Fakhruddin. (1996). *Majma al-bahreïn*. Edited by Ahmed Hosseini Ashkouri. Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Tusi, M. bin H. (1986). *Tahzīb al- Ahkam*. Research Al- Mousavi. H. Tehran: Dar al- kotob al-Eslamiya. [In Arabic]
- Ukbarī, A. A. ibn A. (nd). *al-Lubāb fi 'ilal al-binā' wa-al-i'rāb*. Bayrūt : Dār al-Fikr al-Mu'āšir. [In Arabic]
- Oud, H. bin M. (1988). *Al-wojoh va al-nazaer fi al-quran al-karim. Investigated by Hatem Salih Damen*. Baghdad: Department of Antiquities and Heritage. [In Arabic]
- Fakhr Razi, M. bin O. (1420). *Al- Tafsir al- Kabir*. Beirut: Dar Eḥya' al-Torath al-Arabiy. [In Arabic]
- Farahidi K, bin A. (1988). *Kitab al-Ayn*. Qom: Hejrat. [In Arabic]
- Faḍl Allah S. M. H. (1419). *Tafsīr min Wahy al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Milāk lilṬibā'at wa al-Nashr. [In Arabic]
- Fuladvand. M. M. (1997). *Translation of Qur'an*. Tehran: Offie of Islamic History and Education. [In Persian]
- Fayd al-Islam, A. N. (1999). *Translation and interpretation of a great Qur'an*. Tehran: Ansharat Faqih. [In Persian]
- Fayoumi, A. ibn M. (1414). *Al-mesbah al-monir*. Qom: Dar Al-Hijrah Institution. [In Arabic]
- Lotfi Poursaidi, K. (2008). *Dramady Bar Osoul and Rosh Translation*. Tehran: Danish Publishing Center. [In Persian]
- Meshkini Ardabili, A. (2002). *Tahrir al- Ma'alem fi Osool el- Feqh*. Qom: al-Hadi. [In Persian]
- Mostafavi, H. (1989). *Al-Tahqīq fi Kalimāt al-Qur'an al-Karīm*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, First Edition. [In Arabic]
- Muti', M., Paktchi, A. and Namur Mutlaq, B. (2009). *Daramadi Bar Tastahedeḥ Az Roshahi "Maanashnasy" Publisher of Quranic Readings. Pazhouhesh Dini*, (18), 105-132. [In Persian]

- Ma' rifat MH. (1997). *Al-Tafsīr wa al-Mufasssīrūn fī Thawbih al-Qashīb*. Mashhad: Al-Raḍ awīyah University for Islamic Sciences. [In Arabic]
- Mo'ezzi, M. K. (1993). *Translation of Qur'an*. Qom: Al- Osva. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1995). *The Commentary of Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīyah, First Edition. [In Persian]
- Munajjid, M. N. A. (1993). *al-Ishtirāk al-lafẓī fī al-Qur'ān al-karīm : bayna al-nazarīyah wa-al-taṭbīq*. Beirut : Dār al-Fikr al-Mu'āshir. [In Arabic]

استناد به این مقاله: روحی برندق، کاوس، فریادرس، محسن و نامداری خلیل آباد، علی. (۱۴۰۰). شیوه معنایابی واژگان قرآنی و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر (مطالعه موردی: واژه شری). *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۱(۲۵)، ۳۳-۶۵. doi: 10.22054/RCTALL.2022.64936.1593



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

